از هراره تا تهران - ۲۳

چگونه اعتماد به انگلیس پیروزی را به شکست بدل کرد؟

هنوز جنگ کاملاً تمام نشده بود که فاتحان، جلسه‌ای گذاشتند با توافق‌نامۀ «سایکس‌پیکو»؛ سوریه و لبنان به فرانسه رسید، عراق و شرق اردن و فلسطین هم تحت‌الحمایۀ انگلیس شدند. تعصبات کور عربی در میان مناطق جداشدۀ عثمانی، که خودِ انگلیسی‌ها به آن دامن زده بودند، باعث شده بود که بزرگان و صاحب‌نفوذان مناطق عربی، برای مخالفت با ترک‌های عثمانی، به حرف‌های انگلیسی‌ها و نجابت ادعایی آنها اعتماد کنند و زیر یوق آنها بروند.

همان روزها بود که «آرتور بالفور» وزیر خارجۀ انگلیس، به وعدۀ سال‌ها پیش وفا کرد و طی یک نامۀ فدایت شوم، دِین خود را به «روچیلد» یهودی و صهیونیست ادا کرد:

*** بوی پیروزی نزدیک شده بود که بوی خیانت هم از سوی دیگر بلند شد. تمام پادشاهان و رؤسای دست‌نشاندۀ عرب، به تکاپو افتادند تا این مجاهدان خشمگین و مصمم را ساکت کنند. «ملک سعود» پادشاه حجازِ تازه سعودی‌شده، با لبیک‌به‌تقاضای شرافتمندانۀ آمریکا و انگلیس، به فلسطینی‌ها تلگراف زد: به حسن نیت دوست خود، انگلستان، اطمینان داشته و به قولی که در خصوص اجرای عدالت در فلسطین داده است، اعتماد کامل داریم.**

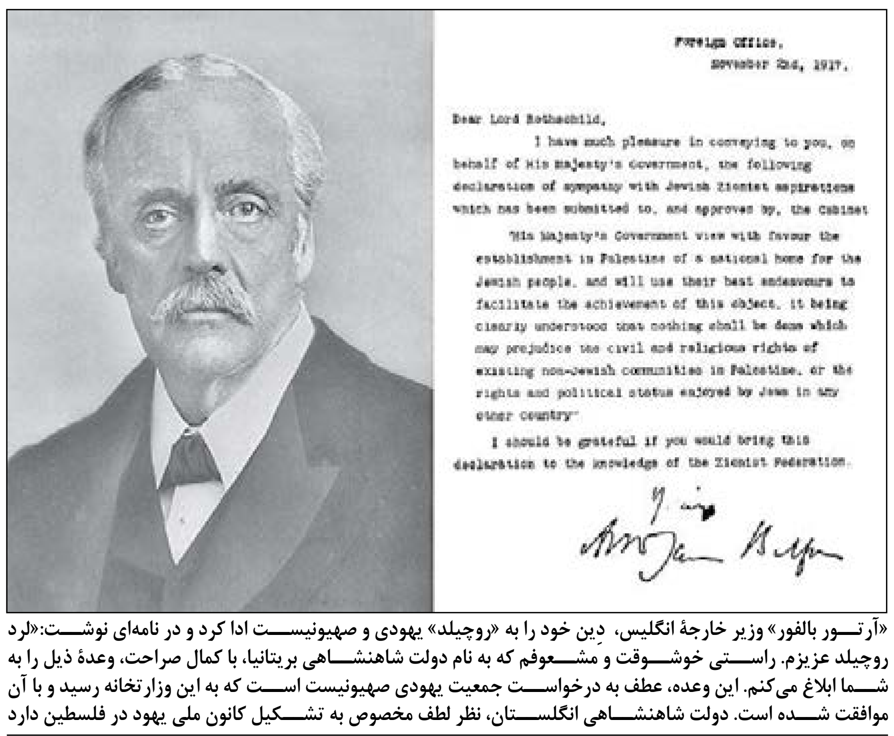

Foreign Office,
November 2nd, 1917.

Dear Lord Rothschild,

I have much pleasure in conveying to you, on behalf of His Majesty's Government, the following declaration of sympathy with Jewish Zionist aspirations which has been submitted to, and approved by, the Cabinet.

"His Majesty's Government view with favour the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people, and will use their best endeavours to facilitate the achievement of this object, it being clearly understood that nothing shall be done which may prejudice the civil and religious rights of existing non-Jewish communities in Palestine, or the rights and political status enjoyed by Jews in any other country".

I should be grateful if you would bring this declaration to the knowledge of the Zionist Federation.

«آرتـــور بالفور» وزیر خارجۀ انگلیس، دِین خود را به «روچیلد» یهودی و صهیونیســـت ادا کرد و در نامه‌ای نوشـــت:«لرد روچیلد عزیزم. راســـتی خوشـــوقت و مشـــعوفم که به نام دولت شاهنشـــاهی بریتانیا، با کمال صراحت، وعدۀ ذیل را به شـــما ابلاغ می‌کنم. این وعده، عطف به درخواســـت جمعیت یهودی صهیونیســـت اســـت که به این وزارتخانه رسید و با آن موافقت شـــده است. دولت شاهنشـــاهی انگلســـتان، نظر لطف مخصوص به تشـــکیل کانون ملی یهود در فلسطین دارد

«لرد روچیلد عزیزم.

راستی خوشوقت و مشعوفم که به نام دولت شاهنشاهی بریتانیا، با کمال صراحت، وعدۀ ذیل را به شما ابلاغ می‌کنم. این وعده، عطف به درخواست جمعیت یهودی صهیونیست است که به این وزارتخانه رسید و با آن موافقت شده است. دولت شاهنشاهی انگلستان، نظر لطف مخصوص به تشکیل کانون ملی یهود در فلسطین دارد و در آیندۀ نزدیک، نهایت سعی و کوشش در راه رسیدن به این هدف و تسهیل وسایل آن مبذول خواهد شد. این‌هم به‌طورِ وضوح معلوم باشد، نباید امتیازات سیاست یهودی به سایر اقوام ضرری آورد.»

و همه می‌دانستند که این جملۀ آخر فرمایشی است.

اعلامیۀ بالفور مربوط به سال ۱۹۱۷ میلادی بود. قیومیت انگلیس بر فلسطین، به‌صورت رسمی از سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۲م) آغاز شد، گرچه از دو سال قبل از آن اجرا شده بود. در این بین، یهودی‌ها خود را برای تصاحب فلسطین آماده می‌کردند؛ آژانس بین‌المللی یهودیان، برای مهاجرت و اسکان یهودیان تشکیل شد و «صندوق تأسیس حکومت صهیونیستی در فلسطین» تشکیل شد. از طرفی هم درگیری‌های صهیونیست‌های ساکن فلسطین، که کم‌کم زیاد می‌شدند، با مسلمانان شروع شده بود.

اولین نمایندۀ انگلیس برای ادارۀ فلسطین، «هربرت ساموئل» یهودی بود. او امتیاز تولید برق فلسطین را با قراردادی به «روتبرگ» یهودی داد و امتیاز استخراج معادن را به شرکت یهودی «پتاس»؛ زبان عِبری را هم در کنار زبان عربی رسمیت بخشید. انگلیس بر زمین‌ها و مزارع فلسطینی‌ها عوارض و مالیات‌های سنگین بست تا یا زمین‌هایشان را رها کنند، یا دادگاه آنها را مصادره کند. و هنوز اعراب منطقه به انگلیسی‌ها اعتماد داشتند و فقط گاهی که معترض می‌شدند، به لندن می‌رفتند و شکایت می‌کردند!

با بلند شدن بوی اشغال از عملکرد انگلیسی‌ها، مردم فلسطین و مسلمانان دلسوز منطقه، خیلی زود از دولت‌ها و بزرگانشان مأیوس شدند و مبارزات پراکنده با اشغالگران شروع شد. سال ۱۹۲۹ میلادی، یک درگیری خونین بین مسلمانان و یهودیان افراطی پیش آمد. دیوار بُراق، مکان مقدسی که پیامبر از آنجا معراج آسمانی‌شان را آغاز کرده بودند، به تصاحب یهودی‌ها درآمده و نامش را دیوار ندبه گذاشتند. قیام براق اولین حرکت منسجم مردمی برای پس گرفتن این مکان مقدس بود. بعد از این قیام، اعتصاب‌های سراسریِ فلسطینی‌ها و بایکوت کامل یهودیان آغاز شد که تن انگلیسی‌ها را لرزاند. آنها هم هرچه توانستند بر مردم فشار اقتصادی آوردند تا هر روز فلسطینی‌ها فقیرتر و یهودی‌های مهاجر غنی‌تر شوند.

بعد از قیام براق، حرکت بیدارگرانۀ «شیخ عِزّالدین قَسّام» به مبارزات روح تازه‌ای دمید. شیخ اهل سوریه بود و درس‌خواندۀ الازهر مصر. تا آخرِ ماجرا را خوانده بود؛ به فلسطین رفت، جوانان مسلمان را جمع کرد و مبارزۀ مسلحانه علیه انگلیسی‌ها شروع شد. تنها بودند و بدون حامی، اما ایمانشان، انگلیسی‌ها را به سختی انداخت.

سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵م)، شیخ عزالدین پس از چند روز محاصره و درگیری، شهید شد و راه پیروزی نهایی را نشان داد. شهادت عزالدین قسام مردم را بیدار کرد؛ اعتصابات و مبارزات جانِ دوباره گرفت و فلسطین، در حالت تعطیلی کامل فرو رفت.

گروه‌های مبارز مختلف، در کرانۀ باختری، در شهر نابلس دور هم جمع شدند و خواسته‌هایشان را اعلام کردند:

۱ـ توقف کامل مهاجرت یهودیان به فلسطین
۲ـ ممنوعیت انتقال املاک اعراب به یهودیان
۳ـ تشکیل دولت پارلمانی مستقل ملی در فلسطین

قرار شد اعتصابات تا رسیدن به اهداف، ادامه پیدا کند. علاوه بر آن، مردم قوانین را رعایت نکنند، مالیات ندهند و... انگلیسی‌ها که سر لج افتاده بودند، مجوز مهاجرت گروه جدیدی از یهودیان به فلسطین را برای نیمۀ دوم سال صادر کردند. مردم به شهرک‌های نوساختۀ یهودی‌ها حمله کردند. درگیری‌های خونین، شدت گرفت. هم‌زمان تبعید گروهی و اجباری فلسطینی‌ها به خارج هم آغاز شد. هرکس تبعید می‌شد، زمین و خانه‌اش هم به‌نفع یهودی‌ها مصادره می‌شد. نوبت به اعدام‌های گسترده هم رسید. از طرفی، نیروهای کمکی انگلیسی از مصر و جاهای دیگر به کمک می‌آمدند؛ و از طرف دیگر هم، سیل مسلمانان مصر و سوریه و اردن و عراق، برای جهاد وارد فلسطین می‌شدند. اوضاع هر روز برای اشغالگران سخت‌تر می‌شد.

*** اولین نمایندۀ انگلیس برای ادارۀ فلسطین، «هربرت ساموئل» یهودی بود. او امتیاز تولید برق فلسطین را با قراردادی به «روتبرگ» یهودی داد و امتیاز استخراج معادن را به شرکت یهودی «پتاس»؛ زبان عِبری را هم در کنار زبان عربی رسمیت بخشید. انگلیس بر زمین‌ها و مزارع فلسطینی‌ها عوارض و مالیات‌های سنگین بست تا یا زمین‌هایشان را رها کنند، یا دادگاه آنها را مصادره کند.**

بوی پیروزی نزدیک شده بود که بوی خیانت هم از سوی دیگر بلند شد. تمام پادشاهان و رؤسای دست‌نشاندۀ عرب، به تکاپو افتادند تا این مجاهدان خشمگین و مصمم را ساکت کنند. «ملک سعود» پادشاه حجازِ تازه سعودی‌شده، با لبیک به تقاضای شرافتمندانۀ آمریکا و انگلیس، به فلسطینی‌ها تلگراف زد:

«به فرزندان ما، اعراب فلسطینی.

اوضاع جاری فلسطین، ما را به‌شدت ناراحت کرده است. ما پادشاهان عرب، شما را به‌منظور جلوگیری از خون‌ریزی بیشتر، به آرامش دعوت می‌کنیم. به حسن نیت دوست خود، انگلستان، اطمینان داشته و به قولی که در خصوص اجرای عدالت در فلسطین داده است، اعتماد کامل داریم. اطمینان داشته باشید که از سعی و کوشش پیگیر در راه مساعدت شما دریغ نخواهیم کرد.»

اوضاع مدتی آرام شد و آتش به زیر خاکستر رفت. انگلیسی‌ها فکر کردند با شرایط به‌وجودآمده، می‌توان گامِ اصلی را برداشت. سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷م) پیشنهاد دادند که فلسطین به دو مَنطقۀ یهودی و عرب تقسیم شود. اتحادیۀ ملل متحد هم با آن موافقت کرد. جمعیت نگهبانان فلسطین، با نمایندگانی از مصر، عراق، لبنان، اردن و سوریه، در دمشق دور هم جمع شدند و اعلام کردند: حتی اندیشیدن به تقسیم فلسطین غلط است و انگلستان هم باید حکومت فلسطین را به مردم آن واگذار کند. در پی این جلسه، نیروهای انگلیسی و صهیونیست به سران مبارز فلسطینی حمله، و تمام شوراها وکمیته‌های فلسطینی را منحل کردند. اعتصابات سراسری دوباره شروع شد و مبارزات مسلحانه آن‌قدر شدت گرفت که بالاخره در همان سال، انگلیسی‌ها طرح تقسیم فلسطینِ را پس گرفتند. انگلیس تصمیم گرفت حس انقلابی فلسطینی‌ها را کاملاً خاموش، و دوباره، کم‌کم زمینه‌ها را آماده کند. برای همین «کتاب سفید» را منتشر کرد که در آن آمده بود: «فلسطین نه به‌صورت دولتی عربی درآید و نه به شکل یهودی. و در صورت ایجاد یک دولت متحد از اعراب و یهودیان، باید جمعیت یهود، یک‌سومِ جمعیت عرب نگه داشته شود.»

انگلیسی‌ها اهل صبر و حوصله بودند و برای رسیدن به مطامعشان، ده‌ها سال برنامه‌ریزی و زمینه‌چینی می‌کردند. اما صهیونیست‌ها اهل صبر نبودند و از کتاب سفید خشمگین شدند. هرچه بود این درگیری‌ها طول نکشید، چون سه ماه بعد از چاپ کتاب سفید، جنگ جهانی دوم شروع شد. این بار به‌طورِ متوسط، هر سال از جنگ به اندازۀ کل جنگ اول کشته به‌بار آورد. یعنی طی شش سال، بیش از شصت میلیون نفر کشته شدند؛ برخی در میدان جنگ، که کل اروپا و شمال آفریقا و قسمت زیادی از آسیا را گرفته بود، برخی در بمباران‌ها، و برخی نیز از گرسنگی و در اثر قحطی ناشی از جنگ. به هر نحو بیش از شصت میلیون نفر جان دادند.

ردّ خون - ۱۰

خیال خام صهیونیست‌ها در ورشو تشکیل امپراطوری اسرائیل!

در اگوست ۱۹۲۹.م، در پای دیوار ندبه درگیری شدید بین عده زیادی از اعضای مسلح سازمان بتار با مسلمانان روی داد، که منجر به تظاهرات و زد و خوردهایی در روزهای بعد شد. در نهایت، تعداد زیادی از مسلمانان و صهیونیست‌ها کشته و زخمی شدند.

اگرچه سازمان بتار در اساسنامه خود ذکر کرده بود که فعالیت عمده‌اش بر پایه مسائل نظامی است؛ ولی در مواقع لازم به فعالیت سیاسی نیز می‌پرداخت. از آن موارد می‌توان کمک به ژابوتنسکی در رسیدن به برخی از اهدافش در رابطه با تشکیلات تجدیدنظرطلبان را نام برد.

ژابوتنسکی که رهبری سازمان تجدیدنظرطلبان را به عهده داشت، طرفدار سیاست تشکیل دولت یهود در فلسطین بود. ولی سازمان جهانی صهیونیسم بر خلاف او، از سیاست گام‌به‌گام پیروی می‌کرد، و از این نظر با او همسویی نداشت. در این مورد وقتی ژابوتنسکی دید تلاش‌هایش به جایی نرسید، ضمن ابراز انزجار از مقامات سازمان، عضویت خود در آن را لغو کرد، و از هم‌فکران و هوادارانش نیز خواست این کار را انجام دهند. ولی عده زیادی از هوادارانش از انجام این عمل خودداری کردند؛ زیرا معتقد بودند چنین کاری سبب تضعیف سازمان جهانی صهیونیسم می‌شود.

ژابوتنسکی، به دنبال این تجدیدنظر در افکار و اعمال خود، و همچنین بحث و مجادله با هوادارانش، هنگامی که موفق به جلب نظر آنان نشد، تصمیم گرفت تشکیلات و سازمان تجدیدنظرطلبان را از کسانی که مخالف ترک سازمان جهانی صهیونیسم هستند پاکسازی کند. به دنبال این تصمیم، بدون مقدمه اعلام کرد که اعضای هیأت اجرایی سازمان تجدیدنظرطلبان را بر کنار کرده است، و اعضای سازمان باید طی یک رأی‌گیری، مخالفت یا موافقت خود را با این عمل اعلام کنند.

«رأی‌گیری در آوریل ۱۹۳۳.م انجام شد، و نتیجه آن، در حالی که انتظارش نمی‌رفت، به نفع ژابوتنسکی تمام شد. در این رأی‌گیری ۹۳/۸ درصد به انجام این کار رأی مثبت دادند، و تنها ۱/۶ درصد با آن مخالفت کردند.»

طبق اظهاراتی که در این باره شده، اعضای سازمان بتار را می‌توان عامل اساسی کسب موفقیت ژابوتنسکی در این کار به حساب آورد. مردخای کاتس (Mordechai Katz)، یکی از عناصر مهم سازمان بتار علت حمایت از او را به این صورت بیان کرد که: چون او رهبری یک انقلاب سودمند در جنبش صهیونیسم را به عهده داشت، و برای رهبری انقلاب باید جنبه تقدس قایل شد؛ دستورات ژابوتنسکی را چه درست و چه غلط باید اجرا کرد.

***اهداف و برنامه‌های سازمان بتار در جریان اولین کنفرانس آن، از سوی ژابوتنسکی به این ترتیب اعلام شد: ۱. تشکیل امپراطوری اسرائیل در دو طرف رود اردن. ۲. لژیونیسم (تشکیل گروه‌های نظامی داوطلب). ۳. انضباط شدید. ۴.تحکیم منزلت قوم یهود. ۵. بسیج قوا.**

یکی دیگر از اقدامات سیاسی سازمان بتار، عبارت بود از راهپیمایی در خیابان‌های شهر تل‌آویو، برای نشان دادن مخالفت سازمان با اتحادیه کارگری (هیستادروت) این کار در سال ۱۹۳۳.م از سوی اعضای سازمان بتار صورت گرفت. زیرا تجدیدنظرطلبان با اهداف و اقدامات هستادروت مخالف بودند.

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۸.م، کنفرانس سازمان بتار دوباره در ورشو برگزار شد. در آن زمان مناخیم بگین ۲۵ سال داشت، و با سخنرانی‌های مکرر و مهیج خود در طول کنفرانس، اعضای شرکت‌کننده در کنفرانس را برضد تهدیدهای آلمان تحریک می‌کرد. در نتیجه، جوّی به وجود آورد که اعضای سازمان بتار خواستار تصرف سرزمین فلسطین در اسرع وقت شدند.

*** در ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۸.م، کنفرانس سازمان بتار دوباره در ورشو برگزار شد. در آن زمان مناخیم بگین ۲۵ سال داشت، و با سخنرانی‌های مکرر و مهیج خود در طول کنفرانس، اعضای شرکت‌کننده در کنفرانس را برضد تهدیدهای آلمان تحریک می‌کرد. در نتیجه، جوّی به وجود آورد که اعضای سازمان بتار خواستار تصرف سرزمین فلسطین در اسرع وقت شدند. ترویج ایدئولوژی فاشیستی، با شعار جنگ یا مرگ در لهستان تشکیل شد.**

بگین همچنین از اعضای سازمان خواست که سوگند سازمانی خود را تغییر داده، و به جای سوگند قبلی، یعنی: من فقط برای دفاع، اسلحه به دست می‌گیرم، بگویند: من اسلحه به دست می‌گیرم تا هم از قوم خود دفاع کنم، و هم وطنم را به پیروزی برسانم.

این مسأله سبب شد که مشاجره‌ای بین بگین و ژابوتنسکی رخ دهد ولی علی‌رغم آن، اعضای بتار اصلاح سوگند را پذیرفتند، و آن را تصویب کردند. اهداف و برنامه‌های سازمان بتار در جریان اولین کنفرانس آن، از سوی ژابوتنسکی به این ترتیب اعلام شد:

۱. تشکیل امپراطوری اسرائیل در دو طرف رود اردن.
۲. لژیونیسم (تشکیل گروه‌های نظامی داوطلب).
۳. انضباط شدید.
۴. تحکیم منزلت قوم یهود.
۵. بسیج قوا.
۶. زبان عبری.
۷. مونیسم.

سازمان لِحی

پس از مرگ ژابوتنسکی، پدر روحی و فکری سازمان ایرگون (سازمان نظامی- قومی إتسل)؛ در سال ۱۹۴۰.م ابراهام اشترن از سازمان فوق منشعب شد، تا گروهی که نام خود را لِحی حیروت اِسرائیل، (مبارزه برای آزادی اسرائیل) گذاشته و به اختصار لِحی (Lehi) خوانده می‌شود را تأسیس کند.

البته این گروه بیشتر به نام مؤسس خود اشترن معروف شده است. علت انشعاب آن را نیز سیاست مسالمت‌آمیز ایرگون در قبال نیروهای قیمومیت انگلیس، که ژابوتنسکی قبل از مرگش به آن توصیه کرده بود، ذکر کرده‌اند. سیاست لحی در موارد زیر خلاصه می‌شود:

«دعوت برای تشکیل ارتش یهودی مستقل، و ایجاد کمیته ملی شبیه حکومت موقت در زمان جنگ. همچنین ارایه‌ی طرح مناسب برای مهاجرت داوطلبانه‌ی یهودیان به فلسطین. و اعلام هدف صهیونیست‌ها، که تشکیل دولت یهودی در دو سوی کرانه‌های رود اردن است؛ و تشکیل نمایندگی واحد در کنفرانس صلح.»

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی دعوت سهامداران شرکت لابراتوار داروسازی ارس بازار سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۹۷ آمل و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۳۸۵۵۱ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت لابراتوار داروسازی ارس بازار سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۹۷ آمل و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۳۸۵۵۱ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۰ صبح ۱۳۹۶/۷/۳ به آدرس آمل- خیابان هراز- نرسیده به امامزاده عبدالله- شهرک صنعتی- کد پستی ۴۶۱۶۱۵۹۴۵۳ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده:

۱- تصمیمات راجع به اصلاح اساسنامه

هیئت مدیره شرکت

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه عملیات تحدید حدود پلاک ۵۸۲۱ واقع در بخش یک بهبهان بعمل نیامده و برابر سند رسمی/قولنامه عادی یک قسمت مفروزی به آقای هادی نخبه فرزند فضل‌اله انتقال داده شده که باستناد ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و آیین‌نامه مذکور، تحدید حدود اختصاصی ششدانگ یکباب ساختمان بمساحت ۱۹۱/۶۴ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق در تاریخ ۹۶/۷/۱۲ راس ساعت ۸ صبح بعمل خواهد آمد. لـذا از مالکین مجاور و متقاضی دعوت می‌شـود تا در وقت مقرر در محل حضور بهم‌رسانند. عدم حضور مالکین مجاور مانع از عملیات تحدید حدود نخواهد شـد. اعتراض معترضین بر حدود و حقـوق ارتفاقی پس از تنظیم صورتمجلس تحدیدی می‌بایست توسط معترضین ظرف یک ماه از تاریخ تسـلیم به واحد ثبتی با تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی صورت پذیرد. تاریخ انتشار: ۹۶/۶/۲۲

۸/۳۸۵ م الف **کاظمی - رئیس ثبت بهبهان**

آگهی فقدان سند مالکیت

سـند مالکیت ششـدانگ عرصه و اعیان یک باب آپارتمان مسـکونی بمساحت ۱۶۴/۱۲ مترمربع واقع در قطعه اول تفکیکی پلاک ۳۱۴۷ فرعی مجزی شـده از ۱۰۷۶ فرعی از ۳۸ اصلی بخش ۵ قزوین به موجب تقسـیم‌نامه شماره ۱۰۲۵۱ مورخ ۸۳/۳/۲۵ دفترخانه ۴۰ قزوین ذیل ثبت ۵۳۳۸۱ صفحه ۱۹۹ دفتر ۲۲۰ به نام فاطمه رضاپور لشـکامی صادر شده اسـت نامبرده طی وارد شماره ۱۱۳/۹۶/۸۲۰۵- ۹۶/۶/۴ با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی شـده که سـند مذکور مفقود گردیده است و با این سند معامله انجام نگرفته و ثبت دفتر املاک موید این ادعا می‌باشـد و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به اسـتناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هر کس بنحوی از انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت یا معاملاتی بنفع او شده و یا مدعی وجود سند در نزد خود باشـد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه در ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسـد و یا درصورت اعتراض اصل سـند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد و آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد. تاریخ انتشار: ۹۶/۶/۲۲

علی شهسواری

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ قزوین

آگهی حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت خانم لیلا فکری شرامین فرزند علی به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شـده به کلاسـه ۹۶۰۹۹۸۴۲۷۷۳۰۰۳۴۶ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان رضاقلـی ا حمدی گاوگانی به ش‌ش ۶۴ و ش ملی ۱۶۹۹۴۸۲۷۸۰ صادره از آذرشـهر به سال ۹۶/۶/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- حبیب احمدی به ش.ش ۱۴۷ و ش ملی ۱۲۷۹۸۹۹۹۴۱ صادره از آذرشـهر بعنوان پسـر متوفی.
۲- اکرم احمدی گاوگانی به ش.ش ۷۳ و ش ملی ۱۶۹۹۵۴۲۳۹۲ صادره از آذرشـهر بعنوان دختر متوفی.
۳- لیلا فکری شـرامین به ش.ش ۳۲۱۰ و ش ملی ۱۶۹۸۸۴۰۷۲۱ صادره از آذرشهر بعنوان همسر متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضـی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشـد از تاریخ نشـر آگهی ظرف مدت یک‌ماه به این دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف واحد سه آذرشهر

جواد پورعلی‌اکبر

آگهی دعوت از بستانکاران (نوبت دوم)

شرکت تجارتی و تولیدی ایران ماکا (سهامی خاص) در حال تصفیه ثبت شده به شماره ۸۵۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۵۵۴۱

در اجرای مفاد ماده ۲۲۵ قانون تجارت بدینوسیله از کلیه بستانکاران اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی که ادعایی نسبت به این شرکت دارند دعوت می‌شود ظرف مدت شش ماه از تاریخ درج اولین آگهی با در دسـت داشتن اسناد و مدارک خود به نشانی - خیابان نلسون ماندلا (آفریقا) بعد از میرداماد نبش یزدان‌پناه پلاک ۱ کد پستی ۱۹۶۸۸۷۴۹۱۴ مراجعه فرمایند بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی هیچگونه ادعایی پذیرفته نمی‌شود.

مدیر تصفیه - محمدحسن آقایی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

آقای حجت‌اله صادقی نیارکی فرزند فتحاله شـما حسـب کیفرخواست صادره از دادسرای تنکابن در پرونده ۹۶۰۳۷۴ کلاسـه شعبه ۱۰۳ کیفری ۲ دادگاه تنکابن به اتهام تهدید و توهین تحت تعقیب کیفری می‌باشد لذا به لحاظ مجهول‌المکان بودنتان وقت رسـیدگی روز چهارشـنبه مورخه ۹۶/۷/۱۹ ساعت ۹:۳۰ صبح به شما ابلاغ می‌گردد تا در جلسه رسیدگی شرکت نموده و از خود دفاع نمایید درغیر این صورت دادگاه غیابی رسیدگی می‌نماید و رای مقتضی صادر خواهد کرد.

م الف ۴۳۱/۹۶ **شعبه ۱۰۳ دادگاه جزایی تنکابن**

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

آقای صمد نجفی‌زاده فرزند محمد شـما حسب کیفرخواسـت صادره از دادسرای تنکابن در پرونده کلاسه ۹۶۰۳۸۷ شـعبه ۱۰۳ کیفری ۲ دادگاه تنکابن به اتهام سـرقت تحت تعقیب کیفری می‌باشـد لذا به لحاظ مجهول‌المکان بودنتان وقت رسـیدگی روز یکشـنبه مورخه ۹۶/۷/۲۶ سـاعت ۸:۳۰ صبح به شـما ابلاغ می‌گردد تا در جلسه رسیدگی شرکت نموده و از خود دفاع نمائید. درغیر این صورت دادگاه غیابی رسیدگی می‌نماید و رای مقتضی صادر خواهد کرد.

م الف ۴۳۲/۹۶ **شعبه ۱۰۳ دادگاه جزایی تنکابن**

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۹۲۲۱۰۰۰۵۸ شعبه ۱۰۳ کیفری دو شهر تنکابن (۱۰۳ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۱۹۲۰۹۰۰۵۴۰

شـاکی: آقای حسـین پیرا فرزند اسفندیار به نشـانی مازندران - تنکابن - سـلیمان‌آباد - بازار دورمیدان خدمات کامپیوتر نوین

متهم: آقای مهدی ایقانی به نشانی مازندران - تنکابن

اتهام‌ها: ۱- ضرب و جرح عمدی ۲- توهین به اشخاص عادی ۳- تهدید

رای دادگاه: درخصوص اتهام مهدی ایقانی - اهل و ساکن تنکابن - فاقد سابقه کیفری دائر به ایراد ضرب و جرح عمدی و تهدید نفسـانی و توهین دادگاه با توجه به مفاد کیفرخواست صادره از دادسرا و شکایت شـاکی خصوصی و گواهی پزشکی قانونی و شهادت شـهود و متواری بودن متهم با مواد ۴۴۸ و ۵۴۹ و ۴۵۲ و ۴۶۲ و بنـد الف مـاده ۴۸۸ و ۷۰۹ و ۴۴۹ و ۵۵۹ و ماده ۶۰۸ و ۶۶۹ تعزیرات و مواد ۱۳۱ و ۱۳۴ و بند ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسـلامی مشارالیه را به پرداخت یک صدم دیه کامله بابت حارصه سمت چپ صورت و دو دهم درصد دیه کامله بابت تورم سمت چپ صورت در حق شاکی و پرداخت ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری بابت بزه تهدید با رعایت قاعده مجازات اشد محکوم می‌نماید. رای صادره حضوری ظرف بیسـت روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان خواهد بود.

م الف ۴۳۳/۹۶ **رئیس شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو تنکابن - عبداله اقبالی**

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۳۰۹۹۸۱۹۲۲۰۰۱۱۲۳ شعبه ۱۰۳ کیفری دو شهر تنکابن (۱۰۳ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۱۹۲۰۹۰۰۵۴۳

شـکایت: ۱- آقای مهران جعفریان ۲- آقای محسن جعفریان همگی به نشانی شهرستان تنکابن شیرود - روبه‌روی واچک - نمایندگی تویوتا

متهم: آقای ابوالفضل ذبیحی به نشانی شهرستان رامسر

اتهام‌ها: ۱- ضرب و جرح عمدی ۲- توهین به اشخاص عادی ۳- تخریب ۴- تهدید

رای دادگاه: درخصوص اتهام ابوالفضل ذبیحی - اهل و سـاکن تهران - فاقد سـابقه کیفری دائر به ایراد ضرب و جرح عمدی و توهین نسبت به مهران و محسن جعفریان دادگاه با توجه به مفاد کیفرخواست صادره از دادسرا و شکایت شکات خصوصی و گواهی‌های پزشکی قانونی و شهادت شهود و متواری بودن متهم بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته با انطباق عمل ارتکابی متهم با مواد ۴۴۸ و ۵۹۴۹ و ۴۵۲ و ۴۶۲ و بند الف ماده ۴۸۸ و ۷۱۴ و ۴۴۹ و ۵۵۹ و ۷۱۰ قانون مجازات اسلامی با ماده ۶۰۸ تعزیرات و بند ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مشارالیه را به پرداخت دو درصد دیه کامله بابت ارش ۲ خراش گردن و سه دهم درصد دیه کامله بابت ارش تورم انگشت سوم دست راست در حق محسن جعفریان و پرداخت دو دهم درصد دیه کامله بابت ارش تورم سـمت چپ صورت و سـه دینار بابت کبودی مخاط سمت چپ داخل دهان در حق مهران جعفریـان و پرداخت ۱/۵۷۵/۰۰۰ ریال جزای نقدی بابت توهیـن در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید رای صادره غیابی ظرف بیسـت روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان خواهد بود.

رئیس شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو تنکابن - عبداله اقبالی

م الف ۴۳۴/۹۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۰۷۱۴ مورخه ۱۳۹۶/۵/۲ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان‌های فاقد سـند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا بیات بابلقانی فرزند قربانعلی به شماره شناسنامه ۱۱۰۷ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ انگوری به مساحت ۳۱۲۳۸/۵۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۱ اصلی واقع در روستای بابلقانی بخش ۵ ملایر خریداری از مالک رسمی آقای حبیب‌اله کرمی محرز گردیده اسـت. لذا به منظور اطلاع عموم مراتـب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۶/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۷/۶

محمدرضا امینی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر

مالف ۱۵۴۲

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۳۸۶۹۲۰۰۳۴۰ شـعبه ۲ دادگاه خانواده شهرستان شهرکرد تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۳۸۶۹۲۰۰۰۷۵

خواهان: آقای سیدحسـین میراحمدی باباحیدری فرزند سـیدعلی‌اصغر با وکالت آقای علی رضائی‌پور فرزند خداکرم به نشـانی استان چهارمحال و بختیاری- شهرستان شهرکرد- شهرکرد- خیابان سعدی- جنب کلانتری ۱۱- نبش کوچه ۴۵

خوانده: خانم منیژه اسـدی فرزند محمدجواد به نشـانی شهرکرد چهارراه دامپزشکی- ساختمان پرویز دفتر وکالت آقای مجتبی نادری

خواسته: الزام به تمکین

*** رأی دادگاه***

درخصـوص دعوی آقـای سیدحسـین میراحمـدی باباحیـدری فرزند سیدعلی‌اصغر با وکالت آقای علی رضائی‌پور فرزند خداکرم به طرفیت خانم منیژه اسـدی فرزند محمدجواد به خواسـته الزام به تمکین، بدین شرح که خواهان اجمالاً اظهار داشـته همسـرش بدون عذر موجه به مدت ۳ سال اسـت منزل مشـترک را رها نموده و با مراجعات مکرر و ارسال اظهارنامه حاضر به تمکین و ادامه زندگی مشترک نمی‌باشد. دادگاه با عنایت به جمیع محتویات پرونده از جمله فتوکپی مصدق سند نکاحنامه مربوطه وجود علقه زوجیت دائم بین طرفین را محرز و مسـلم دانسته در مورد خواسته نظر به اینکه خوانده علیرغم ابلاغ وقت دادرسـی به وی در دادگاه حاضر نشده و لایحه‌ای ارسال ننموده و در نتیجه دفاعی از خود به عمل نیاورده و بنابراین دلیلی که عدم تمکین وی از شـوهرش را توجیه نماید به نظر نرسیده و با توجه به نظر قاضی محترم مشـاور مسـتنداً به مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۱۴ قانون مدنـی خوانده را به تمکین از خواهان در انجام وظایف زناشـویی محکوم می‌نمایـد. رأی صادره غیابی و ظرف مهلت بیسـت روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شـعبه و سپس ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر مرکز استان می‌باشد.

ابراهیم صالحی

رئیس شعبه دوم دادگاه خانواده شهرکرد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۰۷۱۱ مورخه ۱۳۹۶/۵/۲ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قربانعلی بیات بابلقانی فرزند علی‌پاشا به شماره شناسـنامه ۷۶۷ صادره از ملایر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ انگوری به مسـاحت ۳۱۲۳۸/۵۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۱ اصلی واقع در روستای بابلقانی بخش ۵ ملایر خریداری از مالک رسـمی آقای حبیب‌اله کرمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۶/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۷/۶

محمدرضا امینی

مالف۱۵۴۴ **رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر**

آگهی افراز

نظر به اینکه آقای ایپکعلی اسـدی فرزند الهیار با ارائه سند مالکیت مشاعی پلاک ۵۵ فرعی از ۲۴۲ اصلی بخش بهار همدان واقع در روستای سردارآباد به مقدار ۵۷/۶ شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی، تقاضای افراز ملک مذکور را نموده اسـت و ادارات ذیربط نیـز موافقت خود را با افراز ملک فوق اعلام نموده‌اند. در اجرای ماده ۱۷ آئین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طبق ماده ۳ و ۵ آئین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشـاع از کلیه صاحبان حقیقی و حقوقی پلاک فوق‌الذکر که خود را ذیحق می‌دانند دعوت می‌شـود چنانچه اعتراضی نسبت به تصرفات نامبرده دارند در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ روز یک‌شنبه ساعت ۱۰:۰۰ صبح که عملیات افراز انجام می‌پذیرد در محل حاضر و مراتب را اعلام نمایند.

بدیهی اسـت که عدم حضور مالکین مشـاعی مانع از عملیات افراز نخواهد شد. در صورتی که نیاز به ابلاغ آگهی باشـد فقط یک نوبت که مدت آن ۱۰ روز اسـت در همین روزنامه منتشر خواهد شد.

قدیر یوسفی‌نیا

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ

م الف ۳۱۲

آگهی مزایده نوبت دوم

آگهی مزایده مال غیرمنقول نوبت دوم به موجب پرونده اجرائی کلاسـه ۹۵۱۹۱۴ آقای امیرمصطفایی فرزند محمود محکوم اسـت به پرداخت و تحویل ۲۰۰ قطعه سـکه تمام بهار آزادی در حق خانم شـوبو فرزامی و همچنین پرداخت مبلغ ۱۰۵۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت نظر به عدم پرداخت وجوه مذکور توسط محکوم علیه سهم‌الارث آقای امیرمصطفایی از پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۱۹۳۷ اصلی بخش ۳ تحت ثبت ۱۰۰۴ که ارزش سهم‌الارث آقای امیر مصطفایی به نظر کارشناس به مبلغ ۲۳۹۷۵۰۰۰۰۰ ریال قیمت‌گذاری گردیده در روز دوشـنبه مورخ ۱۳۹۶/۷/۳ از سـاعت ۹ الی ۱۰ و در محل اجرای احکام شوراهای حل اختلاف واقع در میدان آزادی سـنندج با حضور نماینده محترم دادسرا عمومی و انقلاب سنندج و دادورز محترم اجرای احکام شـوراها به مزایده گذاشته می‌شود طالبین می‌توانند پنج روز قبل از روز مزایده با کسب مجوز از اجرای احکام از مال مورد مزایده بازدید به عمل آورند و پیشـنهادات خود را کتباً در روز مزایده تسـلیم نمایند. برنده مزایده کسی خواهد بود که بالاترین قیمت را اعلام و پرداخت نماید و بلافاصله مبلغ ۱۰٪ از قیمت پیشنهادی به حساب سپرده دادگستری واریز نمایید و حداکثر ظرف یک ماه آتی ترتیب پرداخت مابقی ارزش پیشنهادی را به حسـاب دادگستری فراهم نمایید بدیهی اسـت وفق ماده ۱۳۹ قانون اجرای احکام مدنی در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سـپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد مشخصات مال یا اموال به نشانی سنندج خیابان اکباتان روبه‌روی اداره آموزش و پرورش کدپستی ۶۶۱۵۶۵۹۱۹۳

مشخصات مال مورد مزایده به شرح ذیل است: طبق نظریه کارشناسی ارزش سهم‌الارث آقای امیر مصطفایی ۲۳۹۷۵۰۰۰۰۰ ضمناً یک نسخه از آگهی مزایده در محل ملک الصاق گردد.

اجرای احکام حقوقی شورای حل اختلاف سنندج

آگهی حصر وراثت

فاطمه عرب دارای شناسـنامه کدملی ۴۶۰۰۱۳۴۵۷۵ به شـرح دادخواست به شماره کلاسه ۹۶۰۲۴۱ از این شورا برابر درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان مهدی عرب به شماره‌شناسـنامه ۱۵۷ در تاریخ ۹۶/۵/۴ اقامتگاه دائمی خـود را بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر اسـت به ۱- فاطمه عرب فرزند مهدی تت ۱۳۸۰ و ش‌ش ۴۶۰۰۱۳۴۵۷۵ صادره از گرمسـار- دختـر، ۲- فاطمه ناظریه فرزند عبدالعلی تت ۱۳۲۶ ش‌م ۴۵۶۱۶۳۶۷۹۹ صادره از سمنان- مادر ۳- محمد عرب فرزند حسن تت ۱۳۱۵ ش‌س ۱۲۴۹ و ش‌م ۴۵۶۸۸۴۸۰۵۲ صادره از سمنان- پدر اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواسـت مزبـور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد، از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شورای حل اختلاف شعبه اول شهرستان گرمسار

۵۰۴م‌الف

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسـیله به اطلاع آقای سعید محتشم به شماره‌شناسـنامه ۵۰۲ شهر آغاجاری فرزنـد علی به آدرس بهبهان بلوار امیرکبیر بلوار شـهید بیانـی خیابان ۲۰ متری فی‌مابین مرکز آموزشی سما و سـالن شهرداری کوچه سوم فرعی دوم سمت چپ فعلاً مجهول‌المکان رسانیده می‌شـود که بانک مهر اقتصاد (سهامی‌عام) به شماره ثبت ۴۲۹۷۰۹ باسـتناد به سـند رهنی شـماره ۲۷۷۹۴-۹۴/۶/۱۴ دفترخانه ۱۳۹ بهبهان تقاضـای صدور اجرائیه به مبلـغ ۲۴۷۸۰۹۰۰۰۰ ریال بابت اصل بدهی و مبلغ ۴۲۷۰۴۶۱۹۵ ریال بابت خسـارت تأخیر تأدیه که تا تاریخ ۹۵/۱۲/۲۲ محاسبه گردیـده و روزانه مبلغ ۲۴۴۴۲ ریـال جریمه روزانه به آن اضافـه می‌گردد ضمناً خسـارت تأخیر روزانه تا روز وصول طلب معادل ۳۰ درصد می‌باشـد علیه شـما و آقای محمدعلی جعفری به عنوان راهـن و بدهکار پرونده نموده چون آدرس متن سـند موافق با واقع نبوده لذا حسب درخواست بانک بستانکار مراتب جهت اطلاع شـما و برابر ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء برای یک نوبت در روزنامه منتشـر و پس از سپری شـدن ده روز از تاریخ انتشار اجرائیه ابلاغ شده محسوب و عملیات اجرائی علیه شما شروع خواهد شد.

۸/۳۹۰ م/الف **کاظمی- رئیس ثبت بهبهان**

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای اسدمهرجو با وکالت شماره ۱۵۶۲۵ مورخ ۹۳/۷/۹ دفتر ۶۸ سنندج از طرف آقای امجد گویلی کیلانه و ایشـان نیز با وکالت از طـرف آقای کامران جلالیان و با تقدیم برگ استشـهادیه مدعی هستند سـند مالکیت ششدانگ پلاک ۶۴۶۱ فرعی از ۶۴۵۸ فرعـی از ۶۰۰ و ۶۱۲ فرعـی از ۴۶ الی ۴۸ و ۵۰ الی ۵۲ و ۵۹ و ۶۰ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ده سـنندج که به نام آقای مظفر نصرتی صادر و تسـلیم سپس تماما برابر سند قطعی شـماره ۱۶۲۹۷۱ مورخ ۹۲/۸/۱۹ دفتر ۴ سنندج به آقای کامران جلالیان انتقال گردیده است و اصل سند برابر سند رهنی شماره ۱۳۳۶۵۶ مورخ ۸۵/۷/۱۰ دفتر ۴ سـنندج و مازاد آن نیز برابر سند رهنی ۱۳۳۶۵۸ مورخ ۸۵/۷/۱۰ دفتر ۴ سنندج در رهن بانک مسـکن قرار دارد، به علت سهل‌انگاری مفقود و از بین رفته و از این اداره تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده‌اند لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ در یک نوبت منتشر تا هر کس مدعی انجام معامله و یا وجود سـند مالکیت نزد خود است از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز به این اداره مراجعه و اعتراض نماید در غیر این صورت برابر مقررات سند مالکیت المثنی صادر خواهد شد.

جلال شجاعی- رئیس ثبت ناحیه دو سنندج

آگهی ابطال

اطلاعیه شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان بروجرد بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای شرکت تعاونی سـهام عدالت شهرسـتان بروجرد می‌رسـاند مجامع عمومی فوق‌العاده و عادی به طور فوق‌العـاده مرحله اول که در مورخه ۹۶/۶/۱۳ برگزار گردید با موضوع انتخاب نمایندگان اعضاء بدلیل مداخله برخی عوامل و ایجاد تنش در مراحل برگزاری مجمع که موجبات نقض در برگزاری گردیده بود بدون شمارش آراء مأخوذه و تنظیم صورتجلسه و امضاء آن توسط مقام برگزار کننده ابطال و کن‌لم‌یکن گردید و متعاقبا آگهی دعوت مجدد مجامع فوق منتشر خواهد شد.

رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی

سهام عدالت بروجرد

شماره ابلاغنامه: ۹۶۱۰۱۰۶۱۱۰۴۰۲۵۴۵
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۰۴۰۰۱۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۶۹

آگهی ابلاغ وقت رسـیدگی و دادخواسـت و ضمائم به آقای مرتضـی حیدری فرزند غلامحسـین خواهان آقای حیدر عباس‌زاده فرزند رئیس‌علی دادخواسـتی به طرفیت خوانده آقای مرتضی حیدری فرزند غلامحسـین به خواسته اعسـار از پرداخت هزینه دادرسی، مطالبه وجه ۵ فقره سفته، خسارات دادرسی و تاخیر تادیه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۰۴۰۰۱۶۶ شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرسـتان اهواز ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۹ ساعت ۹:۳۰ تعیین که حسب دسـتور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی و استماع شهادت شهود در دادگاه حاضر گردد.

منشی شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز- احمدپور

استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی)

دادنامه

پرونده کلاسـه ۹۶۰۹۹۸۵۵۱۰۴۰۰۰۴۶ شـعبه ۱۱ شـورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره

خواهان: آقای هادی نادری‌نیا فرزند علی به نشـانی سیسـتان و بلوچستان- زاهدان- بلوار انقلاب ۴۸ کوچه شهید میرشکاری ۱۳ سمت چپ درب چهارم

خوانده: آقای محمدحسین نیک‌پی سالکده فرزند حکیمعلی به نشانی مجهول‌المکان

خواسـته: مطالبه وجه سـفته به شماره‌های ۱۶۵۸۶۲ (سـری/الف) و ۱۶۵۸۶۳ (سری/الف) و ۱۶۵۸۶۴ (سری/ الف) مورخ ۹۵/۱۱/۲۰ به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه‌های دادرسی و خسارت تاخیر تادیه

رأی شورا

در خصوص دعوی آقای هادی نادری‌نیا فرزند علی بطرفیت آقای محمدحسـین نیک‌پی سالکده فرزند حکیم علـی به خواسـته مطالبه مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دومیلیون و پانصدهزار تومان) بابت سـه فقره سـفته به شـماره‌های ۱۶۵۸۶۲ سری/ الف و ۱۶۵۸۶۳ سـری/الف و ۱۶۵۸۶۴ سری/الف همگی مورخه ۱۳۹۵/۱۱/۲۰ خزانه‌داری کل به انضمام هزینه دادرسـی و خسارت تاخیر تادیه شـورا با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ملاحظه فتوکپی مصدق سـفته‌ها و اظهارات خواهان بدین توضیح دعوی بشـرح دادخواست تقدیمی بابت نصب و راه‌اندازی دوربین مداربسـته از آقای محمدحسین نیک‌پی سالکده مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان طلبکارم که ایشان بابت بدهی خود مبادرت به صدور سه فقره سفته نموده و با وصف مراجعه مکرر از پرداخت آن امتناع تقاضای محکومیت وی را دارد نظر به اینکه خوانده با وصف دعوت از طریق نشـر آگهی در جلسـه رسیدگی حاضر نشده و ایراد و تکذیبی نسبت به خواسته خواهان به عمل نیاورده است و با عنایت به اظهارات شـهود ارائه شده از سوی خواهان که موید ادعای وی می‌باشـد دادخواهی را وارد تشخیص داده و به استناد مـواد ۳۰۷ و ۳۰۹ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسـته و مبلغ ۱/۵۷۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسـی و همچنین خسارت تاخیر تادیه براساس شاخص نرخ تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود از تاریخ تقدیم دادخواست (۹۶/۲/۱۹) لغایت یوم‌الوصول در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد.

مجید خسروی- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۱۱ زاهدان

نشانی: استان سیستان و بلوچستان- شهرستان زاهدان- خیابان ثاراالله- جنب مسجد ثاراالله، مقابل انبار کتاب- مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره ۳ زاهدان- تلفن و فاکس ۳۳۴۲۲۶۳۲-۰۵۴

م الف ۷۲۹

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

شماره ابلاغنامه: ۹۶۱۰۱۰۶۱۱۰۷۰۳۱۰۹
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۰۷۰۰۲۲۸
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۴۰

خواهان هادی بن‌وادی و رحمان عطائی اصل به طرفیت خواندگان سـعید نبهانـی فرزند عبدالرزاق به خواسته اعتراض به عملیات اجرایی تقدیم دادگاه‌هـای عمومی اهواز نموده که جهت رسـیدگی به شـعبه ۴ دادگاه حقوقی اهواز واقع در اسـتان خوزسـتان اهواز انتهای عامری اول نیوساید مجتمع قضایی تندگویان ارجاع و به کلاسـه ۹۶۰۲۴۰ ثبت گردیده که وقت رسـیدگی آن ۹۶/۷/۵ و ساعت ۱۱/۵ صبح تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان‌ها و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دسـتور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشـار آگهی می‌شـود تا خواندگان پس از نشـر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

منشی شعبه ٤ دادگاه حقوقی اهواز